

بازخوانی تلخ ترین حوادث چهارشنبه آخر سال در پرونده ویژه «تیش»

مرگ‌هایی که عبرت نمی‌شود

شهادت مامور پلیس با مواد محترقه



خانواده شهید ستوان سوم هادی دلاور، هنوز هم مرگ جوان ۳۰ ساله‌شان را باور ندارند. هنوز هم وقتی شب چهارشنبه آخر سال از راه می‌رسد، یاد و خاطره او را برایشان زنده می‌کند. شهید دلاور هم یکی از قربانیان چهارشنبه‌سوری در سال ۹۲ است که در یکی از بوستان‌های منطقه نواب تهران، جانش را به خاطر پرتاب نارنجک دستی از سوی فردی ناشناس از دست داد. در این حادثه و پس از بررسی فیلم‌های دوربین مدار بسته توسط پلیس، متهم شناسایی و دستگیر شد. همه شواهد و مدارک از جمله اعترافات متهم علیه او بود و در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. متهم در جلسه دادگاه گفت تا به حال دست به نارنجک نزده است چه برسد به این که بخواهد آن را منفجر کند و باعث مرگ کسی شود. در پایان جلسه قضات دادگاه، حادثه را قتل شبه عمد تشخیص دادند و متهم را به حبس و پرداخت دیه محکوم کردند، اما دیوان عالی کشور رای صادره را نقض کرد و دوباره به دادگاه فرستاد. رسیدگی به این پرونده به قضات شعبه چهارم سپرده شد و این بار شهادت شهید دلاور، قتل عمد تشخیص داده شد و قضات حکم به قصاص او دادند. اما این پایان داستان نبود و وقتی پرونده به دیوان عالی کشور رفت، قضات دیوان، پرونده را ناقص تشخیص دادند و پرونده برای سومین بار روی میز قضات دادگاه کیفری قرار گرفت. متهم بار دیگر به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران منتقل و محاکمه شد. اولیای دم شهید دلاور خواستار قصاص متهم شدند، اما او همچنان بر بی‌گناهی خود اصرار داشت و گفت: «اتهام را قبول ندارم. شب حادثه جلوی یک قهوه‌خانه ایستاده بودم و به خاطر ترقه‌هایی که پرتاب می‌شد وارد آنجا شدم. اما بعد گفتند مامور پلیس به خاطر ترقه به شهادت رسیده و من را دستگیر کردند. من بی‌گناهم.» در پایان این جلسه قضات دادگاه وارد شور شدند و در نهایت متهم به قصاص محکوم شد.

زمانی چهارشنبه‌سوری مصادف بود با شادی، مراسم قاشق زنی و هدیه گرفتن از اهل خانه. بعضی جاها کنارش هم آتش کوچکی برپا می‌شد به نشانه پایان روزهای سرد زمستان و استقبال از بهار تادر سال جدید، شاد و کامروا شوند. حالا چند سالی است این آیین کهن، تبدیل به یک جنگ تمام عیار شده که با قطع عضو، نابینایی یک یا هر دو چشم، سوختگی‌های شدید و حتی مرگ فرد و سایر افراد در معرض خطر همراه است.

لیلا حسین زاده

۷ کشته در اردبیل

دو سال پیش انفجار مواد محترقه دست‌ساز در محله آراز علی اردبیل، علاوه بر این که یک خانه مسکونی را بر سر ساکنانش آوار کرد، هفت نفر از جمله پنج پسر نوجوان را کشت و چهار نفر دیگر را هم بشدت مجروح کرد. براساس اعلام دادستان عمومی و انقلاب استان اردبیل، پسر خانواده در حال آماده‌سازی مواد محترقه در زیرزمین خانه بود که به دلیل حرارت بالا، انفجار مهیبی رخ داد و باعث تخریب زیرزمین، طبقات بالایی و در نتیجه ریزش کل ساختمان شد. دختر این خانواده در خصوص این حادثه گفت: برادرم در زیرزمین خانه مواد محترقه درست می‌کرد و به مشتری‌ها می‌فروخت. شب حادثه هم دوباره به زیرزمین رفت و مشغول ساخت ترقه بود که ناگهان صدای شدیدی آمد و خانه روی سرمان خراب شد. در این حادثه مرگبار، علاوه بر این که هفت نفر کشته شدند، شیشه‌های هفت خانه اطراف محل حادثه فرو ریخت، به دیوار همسایه مجاور خسارت زد و خودروی پراید یکی از ساکنان نیز آسیب دید.

مرگ مادر و ۲ برادر؛ عیدی پسر باز یگوش



در حالی که مادر مشغول خانه تکانی بود و منزل را برای ورود به سال نو می‌آراست، روحش خبر نداشت یکی از پسرانش در حال بازی با مرگ است و او و فرزندان، بهار سال ۹۰ را هرگز به چشم نخواهند دید. پسر باز یگوش مشغول ساختن نارنجک دست‌ساز بود که ناگهان در دستانش منفجر شد. خانه‌ای که تا چند دقیقه پیش از تمیزی برق می‌زد، در یک چشم برهم زدن به تلی از آتش و دود و خاکستر تبدیل شد. پس از انفجار و تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، آتش‌نشانان به سرعت به خیابان طالقانی اسلامشهر اعزام شدند تا حریق را مهار کنند. در این حادثه، مادر ۴۰ ساله خانواده همراه دو پسر چهار و ۹ ساله اش به علت شدت جراحات وارده جان خود را از دست دادند و دست‌های پسر باز یگوش خانواده نیز قطع شد.

مرگ ۴ نفر در تهرانپارس



در حادثه‌ای دیگر در تهرانپارس، انبار کردن مواد محترقه در زیرزمین خانه، مرگ تلخ چهار شهروندی گناه‌تهرانی را رقم زد. شدت انفجار در محل به حدی بود که کل ساختمان چهار طبقه را همراه زیرزمین آن تخریب کرد. شیشه‌های پنجره ساختمان‌های مجاور شکسته و به اطراف پرتاب شد و ساکنان این خیابان از ترس و وحشت به بیرون از خانه‌های خود پناه آوردند. پس از اعلام حادثه، پنج ایستگاه آتش‌نشانی همراه خودروهای پشتیبان و دو نردبان هیدرولیک به محل اعزام شد. آتش‌نشانان به سرعت به چند گروه تقسیم شدند. گروهی از پشت بام ساختمان مجاور، شروع به مهار آتش کردند. گروه دیگر نیز پس از بررسی‌های اولیه به جست‌وجوی احتمالی مجبوسان در طبقات مختلف پرداختند که معلوم شد یک خانواده سه نفره در طبقه سوم و یک بانوی جوان در طبقه چهارم در آتش سوزی این انفجار مهیب گرفتار شده‌اند.

آتش‌نشانان با به کارگیری تجهیزات و بستن دستگاه‌های تنفسی، عملیات خود را آغاز و با وجود خطر ریزش ساختمان، آتش سوزی را مهار و چهار نفر از ساکنان را به بیرون از محل انفجار منتقل کردند. امدادگران اورژانس پس از معاینه قربانیان، مرگ سه زن و یک مرد را تایید کردند. در میان حادثه دیدگان، صورت دو شهروند نیز دچار سوختگی شد که برای درمان به بیمارستان منتقل شدند.

مرگ هنگام حمل مواد منفجره

فروش مواد محترقه در شب چهارشنبه آخر سال، برای بعضی‌ها یک منبع درآمد پول ساز شده است، غافل از این که فرشته مرگ نیز پا به پای آنان قدم برمی‌دارد. دو جوان فلاورجانی هم با تصور دستیابی به یک پول هنگفت و بادآورده در یک شب، انواع مواد محترقه را ساختند تا بفروشند، اما زمانی که سوار موتور بودند تا مواد محترقه را به دست مشتری‌ها بیاورند، به دلیل نامشخصی، هدایت موتور از دست راکب خارج شد و با آن که سرعت بالایی هم نداشتند، با زمین برخورد کردند. اگر مواد محترقه همراه نداشتند، شاید در نهایت دست و پایشان می‌شکست، اما بر اثر برخورد مواد انفجاری با زمین، هر دوی به کام مرگ فرو رفتند.